

تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان

با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن

مریم رفعت جاه * * * * * مرجان رشوند * * * * * مریم شهیدی زندی * * * * *

چکیده

در تحقیق حاضر عوامل مؤثر در آسیب‌زا شدن اوقات فراغت دختران دانشجو مطالعه شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، نوع مصرف رسانه‌ای و میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بیشترین تأثیر را بر نحوه‌ی گذران فراغت برجای می‌گذارند. همچنین تأثیر عوامل فردی بر سالم بودن یا آسیب‌زا شدن اوقات فراغت به مراتب بیشتر از عوامل خانوادگی مشاهده شد. این نتایج مؤید آن است که امروزه در اجتماعی شدن افراد از تأثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه‌های جمعی بر نگرش و رفتار فرد تأثیر بیشتری می‌گذارند.

کلید واژه

اوقات فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، میزان اطلاع خانواده، سبک خرید و مصرف، میزان نظارت خانواده.

* دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی، عضو هیئت علمی گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

* * * کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

* * * * * کارشناسی ارشد مطالعات زنان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

تأیید نهایی: ۸۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۷

۱) مقدمه

فراغت در معنای جدید آن پدیده‌ای است تازه که بر اثر صنعتی شدن و شهرنشینی به وجود آمده و آن را نمی‌توان با بیکاری قرون گذشته مقایسه کرد. در این معنا اوقات فراغت زمانی است که در آن شخص آن‌گونه که می‌خواهد عمل می‌کند و در آن الزامی وجود ندارد در نتیجه با نوعی طیب خاطر و رضایت سپری می‌شود. از این رو اوقات فراغت را می‌توان مهم‌ترین و دلپذیرترین اوقات انسان دانست این اوقات ممکن است که برای عده‌ای متضمن تعمق و تفکر و ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای بیشتر شامل بازآفرینی قوای جسمی و روانی و برای برخی دیگر صرفاً شامل سرگرمی و تفریح باشد.

فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیین‌های فرهنگ جامعه یاد می‌کنند، به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف و ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه است. با افزایش اهمیت فراغت ارزش‌های مارکس^۱ و ریکاردو^۲ درباره‌ی اهمیت کار و جایگاه تولیدی در شکل‌دهی به شخصیت و هویت انسان کم‌رنگ شده است. در گذشته فراغت کم و بیش با بیکاری و بی‌مصرفی همراه بود و مادر تمام شررها محسوب می‌شد، اما امروزه فراغت مبنای یک اخلاق جدید مبتنی بر نیک‌بختی است. کسی که از اوقات بیکاری خود استفاده نمی‌کند یا نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود دیگر کاملاً انسان شمرده نمی‌شود بلکه موجود عقب‌مانده‌ای میان حیوان و انسان به شمار می‌آید (اسدی ۱۳۵۲: ۲۶).

1 - Marks

2 - Rekarado

در هر حال انسان به علت تفاوت ماهوی اش با سایر موجودات، حتی در ساده‌ترین اشکال زندگی، به فرصتی خارج از زندگی روزمره اش نیاز دارد تا در این فرصت بسیاری از کنجکاو‌های، تنوع طلبی‌ها و نیازهایش را ارضا کند و این فرصت که فراغت نامیده می‌شود در بازپروری انسان‌ها نقش بسزایی دارد. در گذران اوقات فراغت سن، طبقه‌ی اجتماعی - اقتصادی، گرایش مذهبی و جنسیت باعث ایجاد مرزبندی‌ها و تفاوت‌هایی می‌شود. در این میان به نظر می‌رسد سن و مرحله‌ی زندگی بر کمیت و کیفیت فراغت افراد تأثیری تعیین‌کننده بر جای می‌گذارد. از آنجا که نرخ جمعیت جوانان در جامعه‌ی ما بالا بوده و در مورد قشر جوان جنبه‌های آسیبی هم بیشتر مطرح است، اهمیت مطالعه و شناخت آسیب‌های فراغتی هم بیشتر می‌شود. از این رو در این پژوهش سعی ما بر این بوده که نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دختران جوان را با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن بررسی کنیم.

۲) بیان مسئله

بی تردید هنگام صحبت درباره‌ی اوقات فراغت سخن از ارزشمندی این اوقات است، زیرا اوقات فراغت بستر مناسبی برای رشد شخصیت و اعتلای وجود و در عین حال زمینه‌ی همواری برای بروز اختلالات رفتاری، انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی است.

امروزه به علت اهمیت و آثار سازنده و مثبتی که در نتیجه‌ی بهره‌وری مطلوب از اوقات فراغت در زمینه‌های مختلف وجود دارد، این امر مورد

توجه خاص صاحب نظران و سیاستمداران به ویژه برنامه‌ریزان امور فرهنگی قرار گرفته است و از طرف دیگر دید متفاوت انسان امروز به مقوله‌ی کار و فراغت، فراغت را به امری مهم تبدیل کرده به نحوی که در برنامه‌ریزی دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

انسان امروزی، در بودجه‌ی خانوادگی خود سهم بیشتری به اوقات فراغت اختصاص می‌دهد. به نظر دومازدیه، در قرن بیستم، فراغت رفته رفته نه تنها به عنوان حق فرد بلکه به عنوان یک ارزش تثبیت شده است و «احساس فقیر شدن» هنگامی به افراد دست می‌دهد که در زمینه‌ی اوقات فراغت «نیازها» سریع‌تر از «میزان رضامندی» آنها افزایش یابد (همان).

دولت‌ها باید برای اوقات فراغت افراد امکاناتی را فراهم کنند و گرنه افراد خود از طرقتی که همواره به نفع جامعه نیست راه حل‌هایی پیدا خواهند کرد. بنابراین سیاست فرهنگی باید با در نظر داشتن ذوق و عادات مردم موجب ایجاد وسایل سودمند برای گذران اوقات فراغت و راهنمایی مردم به انتخاب آزادانه‌ی آن وسایل باشد. یکی از مشکلات جوامع فعلی فراهم آوردن وسایل تفریحات سالم و کافی است، با اینکه فقدان وسایل تفریحی به هیچ وجه علت منحصر به فرد کجروی نیست اما به عنوان یکی از عوامل آن محسوب می‌شود. تحقیقات متعدد نشان داده است:

رواج انواع فراغت‌های آسیب‌زا در بسیاری از کشورها از نداشتن امکانات مناسب تفریحی، آگاهی نداشتن، نداشتن برنامه‌ی صحیح و نیز سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نادرست نشئت گرفته و موجب شده بسیاری از

نوجوانان و جوانان به سوی فعالیت‌ها و تفریحات ناسالم کشیده شوند (سلگی ۱۳۷۴: ۳) طبیعی است نیاز به اوقات فراغت مربوط به قشر خاصی نبوده و از طرفی ذخیره‌ی اطلاعات افراد می‌تواند مرزبندی‌های بیولوژیکی را محو کند اما به دلیل نرخ بالای جمعیت جوان کشور ما هدایت و ایجاد امکانات برای گذران اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در سازندگی جامعه نقش بسزایی دارد. در واقع فعالیت‌های فراغتی برای یک جوان محلی آزمون و خطا و تجربه‌اندوزی است و او را برای ورود به اجتماع و مسئولیت‌پذیری در آینده آماده و مجهز می‌کند. طبق بررسی‌های جامعه‌شناسان بروز بزهکاری‌ها و کجروی‌ها در اوقات فراغت بیش از اوقات کار است پس باید اوقات فراغت برای جوانان طوری طراحی شود تا از بروز موارد آسیب‌زا جلوگیری کند.

از طرف دیگر دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه‌ی ایران به یک سری برنامه‌های فراغتی متفاوت با پسران نیاز دارند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از جمله گذران اوقات فراغت آنها ناشی از تفاوت روحیاتشان باشد. کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران جوان به کاهش کارایی در محیط کار، تحصیل و خانواده و خستگی و افسردگی دامن می‌زند و چه بسا باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌ی اجتماع و خانواده می‌شود. نگاهی به وضعیت کنونی زنان در ایران حاکی است که آنها در عرصه‌های مختلف سعی کرده‌اند تا توانایی‌های خود را نشان دهند. افزایش چشمگیر

ورود دختران به مراکز آموزش عالی در سال‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است. دختران جوان امروز که زنان آینده‌ی ایران هستند چه در نقش‌های خانوادگی و چه در نقش‌های اجتماعی در کنار آموختن و کار و تلاش نیازمند اوقات فراغت برای تجدید قوا هستند و پژوهش درباره‌ی اوقات فراغت این قشر می‌تواند چند و چون و کاستی‌های احتمالی را در این زمینه روشن سازد.

پژوهش‌های انجام شده در ایران حاکی است بسیاری از انحرافات در میان جوانان نتیجه‌ی فقدان برنامه‌ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت بوده است (سلگی ۱۳۸۲؛ رفعت‌جاه ۱۳۸۷؛ کاظمی ۱۳۸۷).

اگرچه انحای گذران اوقات فراغت بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی متفاوت است، اما در میان جوانان به دلیل خصایص ویژه‌ی دوره‌ی جوانی معمولاً با آسیب‌های بیشتری همراه است. افزایش سال‌های تحصیل، دیررسی ورود انسان به بازار کار و افزایش سن ازدواج، دوران جوانی را طولانی کرده است. انسان جدید از کودکی مستقیماً به بزرگسالی قدم نمی‌گذارد بلکه دوره‌ای در زندگی او وجود دارد که با فقدان یا کمی مسئولیت همراه است از این رو اوقات فراغت در آن سهم بزرگی یافته است. در این دوران گاه رفتارهایی از فرد سر می‌زند که از سوی جامعه تأیید و تجویز نمی‌شود و گاه نیز انحرافی تلقی می‌شود. انتخاب چگونگی گذران اوقات فراغت تحت تأثیر عواملی مانند سن، جنس، طبقه‌ی اجتماعی و سبک زندگی قرار دارد و بر اساس این عوامل می‌توان رویه‌هایی را در آن مشاهده کرد. این رویه‌ها

ما را به الگوهای فراغتی افراد هدایت می کند. الگوهای فراغتی نامناسب به خصوص در قشر جوان می تواند آنها را از چارچوب های پذیرفته شده در جامعه دور ساخته و آسیب هایی را در این گروه اجتماعی موجب شود.

نیاز به اوقات فراغت مربوط به یک قشر خاص نیست اما از آنجا که ایران با میانگین سنی ۱۶ سال در ردیف کشورهای جوان قرار دارد، توجه خاص به فراغت و ایجاد امکانات برای گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می تواند نقش مؤثری در شکل گیری شخصیت آنان و همین طور سازندگی جامعه داشته باشد. تحقیقات متعدد در این باره نشان می دهد کمبود امکانات تفریحی و برنامه ریزی نداشتن در اجرای صحیح سیاست های اجتماعی و اقتصادی جوانان را به سوی فعالیت های ناسالم و انواع تفریحات آسیب زا سوق می دهد و ممکن است مبنایی برای بروز کجروی در این قشر فراهم آورد (سلگی ۱۳۸۲: ۳۹).

با توجه به مطالب فوق و یکسان نبودن دسترسی گروه های مختلف اجتماعی به فضاها و امکانات فراغتی در این پژوهش به تبیین جامعه شناختی فعالیت های فراغتی دختران دانشجو و شناسایی عوامل مؤثر در گرایش آنها به فراغت های آسیب زا پرداخته ایم. با توجه به اینکه دانشگاه آخرین مرکز تحصیل رسمی است که می تواند افراد را به فراگیری مهارت های زندگی تشویق کند و یکی از نقش های نهادهای آموزشی پرورش مهارت های دانشجویان برای گذران اوقات فراغت است، از این رو مطالعه ی چگونگی اوقات فراغت دانشجویان به لحاظ میزان توجه به این نیاز و مهارت و تحقق آن در این افراد اهمیت زیادی دارد.

از طرف دیگر، تحلیل جنسیتی اوقات فراغت به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نیازهای خاص فراغتی دختران جوان را بر اساس مقتضیات روحی، روانی و جسمانی آنان شناخته و آسیب‌های بالقوه‌ی اوقات فراغت را در این گروه با دقت بیشتری بررسی کنیم. در این راستا در نظر داریم تا در پایان این تحقیق به پرسش‌های زیر پاسخ گوییم: اوقات فراغت دختران جوان چگونه سپری می‌شود؟ تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد و آسیب‌های احتمالی ناشی از آن کدام است؟ برای پاسخ کامل‌تر به پرسش اصلی تحقیق پرسش‌هایی به عنوان زیر مجموعه‌ی این پرسش‌ها مد نظر قرار گرفته که عبارت‌اند از:

فراغت در ذهن دختران مطالعه شده چه معنایی دارد؟
میزان فراغت دختران مزبور چقدر است و آن را چگونه سپری می‌کنند؟
آیا در فراغت این دختران جنبه‌های آسیب‌زا وجود دارد؟
عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر فراغت دختران مطالعه شده کدام است؟
چه عوامل عمده‌ای بر آسیب‌زا شدن اوقات فراغت دختران تأثیر می‌گذارند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳) مروری بر ادبیات پژوهش

۳-۱) مروری بر پژوهش‌های خارجی

الف - تأثیرات نسل و سن بر گذران اوقات فراغت: در بیشتر مطالعات مربوط به فراغت نسل و تفاوت‌های نسلی بررسی شده است (راپاپورت و دیگران ۱۹۷۵؛ راینسون و گادبی ۱۹۹۹). بر اساس این مطالعات سلیقه‌ها، طرز تلقی‌های سیاسی و تعلقات افراد با سن تغییر می‌کند و فرهنگ جوانی بسیار معطوف

به فرهنگ توده‌ای است که بیشتر بر رسانه‌های تصویری و الکترونیکی مبتنی است. همچنین جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه‌های جمعی هستند تا خانواده و ارزش‌های جمعی و محلی و فراغتهای آنان تحت تسلط فرایند فردگرایی و توسعه‌ی هویت‌های جنسیتی است.

ب- تأثیر جنسیت بر فراغت: بیتمن^۱ و وایکمن^۲ (۲۰۰۰) در تحقیق خود دریافته‌اند که کار پنهان خانگی فراغت زنان خانه‌دار را از بین می‌برد و اصولاً حضور مردان در خانه برای فراغت و تجدید قواست در حالی که همین حضور برای زنان آمیخته با کار و نگرانی‌های ناشی از عرضه‌ی خدمات مناسب به اعضای خانواده است. در عین حال این دو محقق دریافته‌اند که الگوی گذران فراغت زنان ناشی از سن و وضعیت تأهل آنهاست. بیتمن و وایکمن با توجه به فعالیت‌های هم‌زمان با فراغت به نوعی تفاوت جنسیتی در کیفیت زمان فراغت پی بردند. آنها بین فراغت «خالص» و فراغت «منقطع» فرق گذاشتند. بنابر تحقیق ایشان مردان بیشتر زمان فراغت خالص دارند در حالی که فراغت زنان به دلیل هم‌زمانی فعالیت‌های متقاطع کار منقطع است. در عین حال به نظر می‌رسد که فراغت زنان بیشتر مبتنی بر بازتوانی باشد تا فراغت خالص. این دو محقق نشان دادند که با لحاظ فعالیت‌های هم‌زمان با فراغت می‌توان کیفیت فراغت را سنجید. آیتچیسون^۳ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ی انتقادی خود در خصوص فضا و جنسیت نشان می‌دهد که فضا به شدت با جنسیت در ارتباط است و جنسی شدن فضا بر فعالیت‌های فراغتی در محیط اجتماعی تأثیر مستقیم می‌گذارد و همین امر فضا را برای زنان ریسک‌آمیز می‌سازد.

1 - Bittman

2 - Wajcman

3 - Aitchison

۳-۲) مروری بر پژوهش‌های داخلی

در زمینه‌ی گذران اوقات فراغت تا به امروز پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی متعددی در ایران به نگارش درآمده است اما از میان آنها پژوهش‌های زیر تا حدی به موضوع مطالعه‌ی ما نزدیک است. سمیه شفیعی طی پژوهشی (۱۳۸۳) رضایتمندی زنان از فراغتشان را به روش پیمایشی مطالعه کرده است. هدف این پژوهش شناخت میزان بهره‌مندی زنان از اوقات فراغت، میزان گذران اوقات فراغت در درون و بیرون از خانه و میزان رضامندی زنان از اوقات فراغتشان بوده است. بر اساس این پژوهش میزان اوقات فراغت و میزان رضامندی زنان از فراغتشان با تقسیم مشارکتی کار در خانه، پایگاه اجتماعی، اقتصادی زن و میزان قدرت تصمیم‌گیری او رابطه‌ی مستقیم و با تعداد فرزندان خردسال او رابطه‌ی معکوس دارد.

منوچهر اشرف‌الکتابی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی تغییرات نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل» انجام داده است (۱۳۷۹). در این طرح گذران اوقات فراغت به شکل مقایسه‌ای هم میان جنس‌های مختلف و هم در سه نسل مختلف از یک خانواده مطالعه شده است. هدف پژوهش شناخت نوع و میزان دگرگونی اوقات فراغت خانواده‌های تهرانی و مقایسه‌ی آن میان سه نسل بوده است. بر اساس نتایج تحقیق مفهوم اوقات فراغت در جامعه‌ی روستایی - سنتی و در جامعه‌ی شهری - صنعتی تغییر فراوان کرده و به نظر می‌رسد فراغت به عنوان نهاد تازه‌ای که کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد در جامعه

شکل گرفته است. همچنین الگوی فراغت سه نسل با یکدیگر تفاوت دارد و متغیرهای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، شغل و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد.

پژوهش سوم، توسط فرشته انصاری با نام «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی» انجام گرفته است (۱۳۸۲). محل اجرای این پژوهش دو دبیرستان دخترانه در مناطق ۲ و ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه، مشاهده و مصاحبه بوده است. این پژوهش به منظور بررسی تأثیر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بر شکل‌گیری شخصیت فرهنگی افراد مطالعه شده است. بر اساس نتایج تحقیق درآمد و نوع شغل پدر، میزان دسترسی فرد به امکانات و سطح تحصیلات والدین با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ارتباط مستقیم دارد. همچنین ارزش‌ها و نگرش‌ها و اعتقادات دینی در اختیاری که خانواده برای گذران اوقات فراغت به فرزند خود می‌دهد و نوع گذران فراغت آنها مؤثر است. در افراد با پایگاه اقتصادی، اجتماعی پایین اوقات فراغت درون‌خانگی و نارضایتی از اوقات فراغت بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است.

همچنین در سازمان ملی جوانان، طرح پژوهشی «بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان» توسط گروهی از پژوهش‌گران بر روی جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال اجرا شده است. در این پژوهش اسنادی فعالیت‌های اجرایی سازمان‌های مرتبط با اوقات فراغت در مقطع زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ با روش کمی بررسی و ارزیابی شده است. هدف سازمان ملی جوانان در اجرای این طرح بالا

بردن سطح آگاهی و شناخت افراد جامعه به ویژه مسئولان نسبت به موضوع فراغت و ایجاد زمینه‌ی مشارکت ملی برای پرداختن به موضوع فراغت جوانان از یک سو و جلب مشارکت جوانان در مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اوقات فراغت از سوی دیگر عنوان شده است. این پژوهش جنبه‌ی توصیفی داشته و فاقد بعد تبیینی است.

«بررسی سبک‌های زندگی فراغتی در بین دانشجویان کشور» (۱۳۸۷) نیز عنوان پژوهشی است که توسط عباس کاظمی به انجام رسیده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش از میان سبک‌های مختلف گذران اوقات فراغت، گرایش دانشجویان به سبک رسانه‌محور بیشتر از سایر سبک‌ها بوده است و محتوای مصرف رسانه‌ای دانشجویان نیز بیشتر سرگرمی‌محور است تا آموزش‌محور. از سوی دیگر دانشجویان کمترین تمایل و علاقه را نسبت به سبک‌های اجتماع‌محور و سیاست‌محور نشان داده‌اند. سبک‌های فراغتی تفریح‌محور و ورزش‌محور نیز با اقبال کمی مواجه بوده و کمترین همبستگی را با سبک رسانه‌محور دارد که نشان می‌دهد استفاده از رسانه موجب تقویت اجتماع‌گریزی و انزواجویی در جوانان دانشجویی می‌شود. در تحلیل‌های جنسیتی، زنان بیشتر از مردان به سبک‌های فراغتی مذهب‌محور و هنر‌محور تمایل نشان داده‌اند و در عوض مردان بیشتر از زنان به فراغت‌های ورزش‌محور و سیاست‌محور گرایش دارند. میزان اقبال زنان و مردان به سبک‌های فراغتی رسانه‌محور و تفریح‌محور یکسان بوده و تفاوتی نداشته است. سیمای دانشجویی که در این پژوهش به دست آمده سیاست‌گریز،

متمایل به سرگرمی و در پی لذت و علاقه‌مند به فعالیت‌های فراغتی فردی است. به عبارت دیگر فراغت‌های دانشجویان بسیار فردی، انفعالی، خانگی، رسانه‌محور و اغلب بدون برنامه تصویر شده است.

۳-۳) مرور منابع نظری

از آنجا که مفهوم فراغت معانی متعدد دارد، بجاست پیش از طرح برخی از نظریه‌های مهم مربوط به آن خود این مفهوم واکاوی شود. فراغت را گاه در معنای زمان آزاد به کار برده‌اند و گاه به معنای فعالیت آزادانه و دلخواه در نظر گرفته‌اند. دومازدیه^۱ با توجه به گوناگونی معنای فراغت و فعالیت‌های فراغتی سه کارکرد برای اوقات فراغت برشمرده است:

الف) اولین هدف و کارکرد اوقات فراغت، استراحت و رفع خستگی است. فراغت این فرصت را به آدمی می‌دهد که خستگی کار را از تن خود بیرون کند، زیرا این خستگی مطابق آهنگ طبیعی زیست‌شناسانه‌ی انسان به وی تحمیل می‌شود.

ب) کارکرد دیگر اوقات فراغت تفریح و سرگرمی است. تفریح دنیایی تازه، چه واقعی و چه خیالی، در برابر آدمی می‌گشاید که آدمی می‌تواند از خستگی روزانه‌ی ناشی از انجام دادن یک رشته فعالیت محدود و تکراری به سوی آن فرار کند.

ج) فراغت به فرد امکان رشد و شکوفایی می‌دهد و برای فرد فرصتی فراهم می‌کند تا کارهای تکراری را که از سوی نهادهای اجتماعی بر وی

1 - Dumazedier

تحمیل می‌شود، پشت سر گذاشته و به حوزه‌ای پا گذارد که در آن نیروهای آفریننده‌اش، آزادانه بتوانند با ارزش‌های مسلط تمدنش به مخالفت برخیزند یا آنها را تقویت کنند.

فراغتی که نتواند این سه کارکرد را در هر زمان فراهم کند، فراغتی است که در جامعه‌ی امروزی از حیث نیازهای شخصیت انسان ناقص تلقی می‌شود (دومازدیه ۱۳۵۲: ۱۹).

علاوه بر کارکردهای یاد شده، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مربوط به اوقات فراغت رشد فکری و فرهنگی است. کارکرد فکری و فرهنگی تنها کارکردی است که با تمام کارکردهای دیگر اوقات فراغت، رابطه‌ی متقابل و نزدیک و تفکیک‌ناپذیر دارد (کوهستانی و خلیل‌زاده ۱۳۷۸: ۶۸).

تورستاین وبلن^۱، یکی از صاحب‌نظران پیشگام در این عرصه، فراغت را به عنوان موضوعی مستقل مطالعه و تبیین کرده و درباره‌ی تغییر نقش و کارکرد فراغت در جامعه‌ی جدید نظریه‌پردازی کرده است. در نظریه‌ی او مصرف و فراغت چشمگیر (و نمایشی)، راهی است برای نمایاندن منزلت و موقعیت اجتماعی برای اینکه انسان‌ها در چشم دیگران برتر جلوه کنند و برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند. آداب و روش‌های زندگی طبقات بالا با فراغت و مصرف چشمگیر توأم است. مصرف و فراغت چشمگیر، لزوماً منحصر به افرادی نیست که برای دستیابی به مقام و موقعیت بلندمرتبه با دیگران رقابت می‌کنند بلکه بستگان این افراد از جمله همسران

1 - Torstein Veblen

و خدمتگزاران آنها هم می‌توانند با این نوع سبک زندگی و فراغت، منزلت سرورانشان را به نمایش بگذارند. به نظر ویلسن، در جوامع مدرن، مصرف چشمگیر (متظاهرانه) و سبک زندگی مبتنی بر رفاه و فراغت، سراسر ساختار اجتماعی را فرا گرفته است. در چنین فرهنگ‌های رقابت‌آمیزی، افراد طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا با الگو قرار دادن سبک زندگی و فراغت طبقه‌ی بالاتر و تظاهر به فراغت‌های مدرن به احترام و منزلت اجتماعی بیشتری دست یابند (ویلسن ۱۳۸۳؛ کوزر ۱۳۸۰: ۳۶۲).

نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت نیز با انتقاد به جامعه‌ی سرمایه‌داری و سلطه‌ی فرایندهای اقتصادی بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم از جمله عرصه‌ی فراغت، دیدگاهی مشابه با ویلسن اتخاذ کرده و به گونه‌ی دیگری نشان می‌دهند که چگونه فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام‌ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. برای مثال، از نظر آدورنو^۱ علی‌رغم افزایش ظاهری آزادی انتخاب در جوامع سرمایه‌داری، در واقع سلطه‌ی فرهنگی و روابط محاسبه‌گرایانه و سودجویانه افزایش یافته است. آزادی و افزایش زمان فراغت توهمی بیش نیست، زیرا مردم در جامعه‌ی سرمایه‌داری تحت تسلط صنعت فرهنگ و نیازهای فرهنگی ساختگی قرار دارند. اوقات فراغت به صورت کالا تولید و تحویل بازارهای پرمشتری می‌شود. آزادی انتخابی ارائه شده از طریق بازارهای اوقات فراغت، به هیچ وجه حق انتخاب به شمار نمی‌آید. در واقع افراد در دام مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری گرفتار

1 - Adorno

آمده‌اند. آدورنو و هورکهایمر^۱ فراغت‌های مصرفی و سرمایه‌دارانه را ابزاری برای سلطه‌ی بیشتر می‌شمارند و مؤسسات فراغتی را مؤسساتی سوق‌دهنده‌ی مردم به طرف اشکال مقبول اوقات فراغت و باز تولید ساختار اجتماعی می‌دانند (هورکهایمر و آدورنو ۱۳۸۰؛ هی‌وود ۱۳۸۰: ۳۳۵ و ۳۳۶).

در این دیدگاه، یکی از موضوعات مهم برای شناخت اوقات فراغت این است که مقاومت در برابر نابرابری‌های سرمایه‌داری از طریق نظرات و اندیشه‌های طبقه‌ی مسلط و کنترل‌های فرهنگی خنثی شده و از مسیر خود منحرف می‌شود. طبقه‌ی حاکم افراد را از طریق هژمونی سیاسی و فرهنگی به طرف مصرف هرچه بیشتر سوق می‌دهد. بدین‌سان اوقات فراغت نیز به صورت کالایی مصرفی درمی‌آید. صنعت فرهنگ برای مردم تفریحات توده‌ای توأم با مصرف و خرید را فراهم آورده و اینها به نیازهای کاذبی تبدیل می‌شود که نیروی محرکه‌ی آن از طریق تبلیغات و نمایش کاخ‌های مصرف تأمین می‌شود (همان: ۳۵۳ و ۳۵۴).

گرین^۲ نیز همچون ویلن و آدورنو نگاهی انتقادی به فراغت‌های مدرن دارد. او علاوه بر تحلیل نقش عوامل اقتصادی در اوقات فراغت به تأثیر عوامل دیگری همچون جنسیت تأکید می‌کند. از نظر او مفهوم سرمایه‌داری پدرسالارانه مشخصه‌ای مهم برای توضیح چگونگی شکل‌گیری و تحدید فرصت‌های تفریحی افراد است. گرین معتقد است برای تحلیل فراغت زنان گذشته از ساختارهای سیاسی و فرهنگی باید به مناسبات خانوادگی آنها به

1 - Horkheimer

2 - Green

ویژه مسائل مربوط به مراحل زندگی و نقش های چندگانه و متداخل زنان که نقش مهمی در فهم الگوهای فراغتی آنها دارد توجه کرد. از نظر وی اوقات فراغت، مانند آفتاب پرست، با تغییر شرایط و جدیت رقبایش رنگ عوض می کند. نقش های جنسیتی یکی از این رقباست که گرین معتقد است نقش مهمی در مطالعات فراغت دارد و از محدودیت های آشکار فراغت زنان می توان به کمبود زمان و کمبود فضاها و امکانات فراغتی و در نتیجه محدودیت گزینه های فراغت اشاره کرد. اگرچه جنسیتی شدن حوزه اجتماعی بر طیف فعالیت های تفریحی مؤثر بوده اما حتی تفریحات درون منزل نیز با جنسیت در ارتباط است: «زنان وقت کمتری برای اوقات فراغت دارند. در فعالیت های فراغتی، کمتر شرکت می کنند و دامنه های گزینه های فراغتی آنان محدودتر است. همچنین از آنان انتظار می رود بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و خانواده بگذرانند». در هر سه عامل کلیدی مذکور، یعنی وقت، فعالیت و فضا زنان وضعیت نامساعدی دارند. وقت زنان برای فراغت، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که در آن می توانند به فعالیت های فراغتی بپردازند و در واقع گزینه های فراغتی آنان محدود است (گرین ۱۹۹۰: ۱۳۶). برای مثال، در مورد فضا تعداد مؤسساتی که زنان می توانند آزادانه به آنها مراجعه کنند، بسیار کمتر از موارد مشابه برای مردان است. غالب فضاهای فراغتی مانند مراکز ورزشی و تفریحی تحت نظارت مردان قرار دارد. علاوه بر این زنان برای دسترسی به وسایل حمل و نقل خصوصی نیز با محدودیت و مشکل روبه رو هستند. محدودیت های فضایی - زمانی دامنه های گزینش فعالیت های فراغت زنان

را بسیار محدود می‌کند، البته به این عوامل، عامل مادی را هم باید افزود. بسیاری از دختران و زنان معمولاً به خاطر درآمد مصرفی به مردان خانواده وابسته‌اند (همان: ۱۹۲ - ۱۹۰).

پی‌یر بوردیو^۱ درباره‌ی فعالیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی تحقیقات متعددی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. بوردیو معتقد است اگرچه بسیاری از تفاوت‌های مربوط به نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ربطی به طبقه اجتماعی - اقتصادی ندارد، اما پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (جنکینز ۱۳۸۵).

با توجه به نظریه‌ی تجربه‌ی بوردیو، تجربه‌های دوران کودکی منجر به ترکیب و شکل‌گیری منش می‌شود. این ترکیب نظامی از حالات و خواست‌های انتقال‌پذیر است که به عنوان مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علایق، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی است برای درک جهان و تمیز فعالیت‌های مناسب و نامناسب. خواست‌های انتقال‌پذیر یعنی سلیقه‌ها و علایق مربوط به فراغت، به سلیقه‌ها و علایقی که در فعالیت‌های دیگر بروز می‌کند بستگی دارد. منش بر اساس تجربیات کودکی شکل گرفته و در ذهن جای‌گیر می‌شود و از آنجا که از اوایل کودکی در ذهن قرار گرفته، به طور

1 - Pierre Bourdieu

ناخودآگاه عمل می‌کند و نمی‌توان چیزی را به صورت کامل جایگزین آن کرد. بنابراین شرایط وجودی آن دسته از شرایط خانوادگی و طبقاتی است که شخص در آنها به دنیا می‌آید و منجر به مجموعه‌ای از موارد شرطی‌سازی و به سیستمی از خواست‌ها (منطق تجربه) تبدیل می‌شود. این حالت از نظر بوردیو، بنیادی است که سبک زندگی و فراغت بر پایه‌ی آن شکل می‌گیرد. همان منطق تجربه به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق و فعالیت‌های فراغتی، از ورزش و هنر گرفته تا عضویت باشگاه‌ها و انجمن‌ها و رفتن به مسافرت در ایام تعطیل و فعالیت‌های غیررسمی، مانند استفاده از برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی و فراغت‌های خانه‌محور، عمل می‌کند. البته احتمال دارد که سلیقه‌ها و فعالیت‌ها طی تجربیات بعدی تغییر یابد، ولی از نظر بوردیو، چنین گزینه‌ای بر طبق منطق ساختاری ترکیب منش عمل می‌کند.

منش^۱ شالوده‌ای دارد که تمام گزینه‌های فراغت بر آن بنا نهاده شده و افراد با تشکیل منش به طیفی از شایستگی‌های فرهنگی یا سرمایه‌ی فرهنگی دست می‌یابند که انواع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را کم و بیش در اختیارشان قرار می‌دهد یا امکان‌پذیر می‌سازد. بوردیو بر اساس همین فرضیه‌ی تجربی، چگونگی عملکرد گزینه‌ها در فراغت را توضیح می‌دهد. به بیان وی، فعالیت‌های فراغت در واقع حوزه‌ای از امکانات وابسته به شایستگی‌های فرهنگی است. در این حوزه، انواع گوناگون فعالیت‌های فراغت و فضاهای مختلف (اعم از باشگاه‌های خصوصی یا تسهیلات عمومی) و رویکردهای

1 - Habitus

گوناهگونی که فرد، ممکن است بپذیرد، یافت می‌شود. همه‌ی اینها به شخص امکان انتخاب می‌دهد و البته این گزینه‌ها به شرایط ویژه‌ی در اختیار شخص بستگی دارد. از طرف دیگر، اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص وابسته به توزیع اجتماعی آنهاست؛ به این معنا که اشخاص انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌های خود درباره‌ی گزینه‌های سایر افراد انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به آسانی در دسترس و متعارف هستند؛ در حالی که بعضی دیگر به علت کمیابی گران‌بها، متمایز و به نسبت فاقد دسترسی هستند. در دسترس نبودن، هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و نیازمند آنهاست. بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه‌ی فوتبال الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن است. از این رو طرفداری از تئاتر، نشانه‌ی تمایز بین عالی، پیش پا افتاده و معمولی است (هی وود و همکاران ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۶).

بنابراین نظریه‌ی بوردیو را که بر اساس آن گزینش اوقات فراغت پویا بوده و بر تجربیات زندگی فرد و منش او، یعنی علایق و ارزش‌ها و برداشت از فراغت و شایستگی‌های فرهنگی، مبتنی است در جملات زیر می‌توان خلاصه کرد:

افراد با توجه به تجربیات اوان زندگی خویش خواست‌های ویژه و متفاوتی پیدا می‌کنند که بعدها به برداشت، سلیقه و علاقه تبدیل می‌شود. این خواست‌ها امکان نقل مکان دارد، یعنی در تمام اشکال فعالیت فراغت و مصرف‌گرایی

خودنمایی می کند. افراد از نظر برداشتی که از فراغت و از فعالیت های فراغتی دارند با همدیگر متفاوت اند. سبک ها و فعالیت های گوناگون به انواع متفاوتی از شایستگی فرهنگی نیاز دارد. گزینه های فراغت از علایق و سلیقه ها که وسیله ای برای تمایز و تشخیص هستند، سرچشمه می گیرد.

۴) چارچوب نظری

شهر تهران، به عنوان یکی از کلان شهرهای جوامع در حال توسعه، در دهه های اخیر شاهد تحولات سریع و چشم گیری در همه ی ابعاد خود بوده است. در این کلان شهر رو به توسعه، همراه با تغییر در سبک و شیوه ی زندگی رفتارهای فراغتی نیز تغییر کرده است. اوقات فراغت و رفتارهای فراغتی ناشی از آن بخشی از سبک زندگی مردم را آشکار می سازد، به مقوله هایی نظیر جنس، سن و طبقه ی اجتماعی وابسته بوده و در دو حوزه ی درون و بیرون از منزل گذراندنی است (خزائی ۱۳۸۶: ۱۱).

از این گذشته، اوقات فراغت با ارزش ها و نگرش های افراد رابطه ی نزدیکی دارد. معمولاً فرد در اوقات فراغت مورد علاقه ی خود را انجام می دهد و از این طریق شخصیت خود را شکل داده و آن را ابراز می کند. بنابراین هم ارزش ها و هم توانایی های فرد از طریق اوقات فراغت او نمایان می شود. از این رو می توان نتیجه گرفت که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف فرهنگ آن جامعه است (صیادی فر ۱۳۸۵: ۸).

به نظر بوردیو اوقات فراغت یکی از معرف های سبک زندگی است. به

عبارت ساده‌تر اوقات فراغت و گزینه‌های فراغتی انسان از سبک زندگی او نشئت می‌گیرد. از طرف دیگر، بورديو معتقد است که موقعیت یا پایگاه اجتماعی، اقتصادی با سبک زندگی پیوند دارد. در نتیجه کسانی که موقعیت‌های اجتماعی مشابهی دارند، سبک‌های زندگی کم و بیش مشابه و ذائقه‌ها و سلايق مشابهی نیز دارند. از طرف دیگر، به نظر بورديو موقعیت اجتماعی، اقتصادی مبتنی بر میزان بهره‌مندی فرد از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است. میزان دسترسی به منابع مادی (سرمایه‌ی اقتصادی) و منابع فرهنگی (شامل سطح تحصیلات، میزان و نحوه‌ی استفاده از کالاهای فرهنگی) سهم سرمایه‌ی یک فرد و در نتیجه موقعیت اجتماعی و امکانات او را تعیین می‌کند و افراد بسته به موقعیت اجتماعی و منابع در دسترس سبک‌های زندگی خاصی را در پیش گرفته و از امکانات فراغتی و سلايق خاصی برخوردار می‌شوند. این امکانات (مادی و فرهنگی)، گرایش‌ها و سلايق ناشی از آن هم بر روی گزینه‌های فراغتی آنها و هم بر میزان و چگونگی فراغت آنان تأثیر می‌گذارد (شکوری ۱۳۸۵: ۴).

اگرچه بورديو در تحلیل عوامل مؤثر بر کنش انسان تأثیر موقعیت اجتماعی، اقتصادی را مغفول نمی‌گذارد اما با اتخاذ موضعی وبری به نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در این موقعیت تأکید کرده و نقش سرمایه‌ی اجتماعی (شبکه‌ی دوستان و آشنایان) و سرمایه‌ی فرهنگی (تحصیلات، نوع مصرف فرهنگی) در کنش و رفتار انسان برجسته می‌سازد. از این منظر سبک زندگی افراد را با توسل به فرهنگ و ارزش‌های نگرش افراد بهتر می‌توان

شناخت تا با توجه به دارایی ها و منابع مادی آنها. در نتیجه برای فهم چرایی و چگونگی فراغت افراد شناخت ارزش ها و نگرش ها و ذائقه‌ی آنها در انتخاب و مصرف کالاهای مادی و فرهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

علاوه بر بوردیو تورشتاین وبلن^۱ نیز به اهمیت شیوه‌ی مصرف و فراغت تأکید و در این باره نظریه‌پردازی کرده است. با این همه وبلن توجه بیشتری به فراغت، تحلیل چند و چون و عوامل مؤثر بر آن نشان داده است. وبلن همچون بوردیو به ارتباط دوسویه‌ی شیوه‌ی مصرف و فراغت با موقعیت اجتماعی توجه کرده و کوشش مصرف کننده به مصرف کالاها را تلاشی برای نشان دادن منزلت و موقعیت اجتماعی ارزیابی می‌کند. وبلن اعتقاد دارد مصرف کننده برای کسب تشخیص و منزلت اجتماعی مصرف می‌کند. او عقیده دارد مصرف راه نشان دادن موقعیت اجتماعی و ثروت است و این کار از طریق مصرف تظاهری یا اوقات فراغت تظاهری انجام می‌شود (وبلن: ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۰).

از نظریات بوردیو و وبلن برمی‌آید که فراغت یکی از عرصه‌های مهم زندگی در دنیای جدید است و با سبک زندگی و مصرف و انتخاب دلخواهانه‌ی رفتارها ارتباط تنگاتنگی دارد. عامل تأثیرگذار دیگر بر فراغت جنسیت است. بروز تمایزهای جنسیتی در فراغت از دیدگاه کلی جامعه درباره‌ی تفاوت بین دو جنس ناشی می‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل‌اند. این عوامل از نگرش جامعه به رفتارها و فعالیت‌های مناسب برای زنان و مردان تا تسهیلات، امکانات و فضاهای فراغتی خاص زنان و مردان در تغییر است.

1 - Thorstein Veblen

در هر حال این تغییرات حضور زنان در عرصه‌ها و فضاهاى شهری را اجتناب ناپذیر و نحوه‌ی ساماندهی شهری را دگرگون می‌سازد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی زنان و دختران جوان برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی، برای سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون خانگی اهمیت بیشتری قائل می‌شوند. تمایل دختران جوان به سبک‌های جدید زندگی و فراغت برون خانگی نشان دهنده‌ی دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش هویت‌های جدید در آنان است.

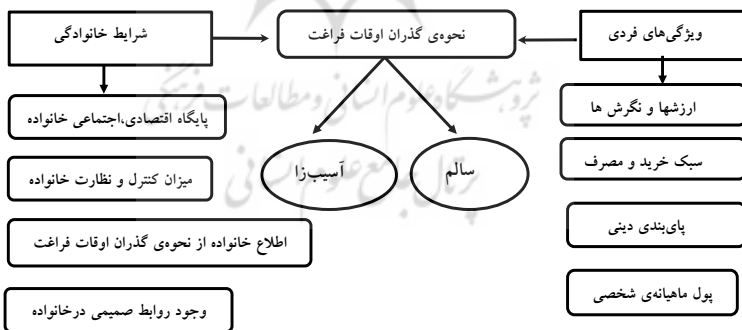
پژوهش‌های اخیر انجام گرفته بر روی اوقات فراغت دانشجویان نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می‌کند (رفعت جاه، سعیدی و کاظمی ۱۳۸۷) اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهاى عمومی شهری وجود دارد ممکن است فراغت این قشر از بیرون به مکان‌های سرپسته‌ای کشانده شود که پیامدهای منفی بیشتری در پی دارد.

در جامعه‌ی ما فرهنگ و باورهای مسلط محدودیت‌هایی را درباره‌ی زمان فراغت و فضاهاى فراغتی مناسب دختران ایجاد می‌کند. هدایت و نظارت خانواده و اجتماع بر فراغت جوانان فی نفسه مفید است اما چنانچه به افراط گراید فراغت فرد را مختل می‌کند و چه بسا پیامدهای منفی و آسیب‌زا در بر داشته باشد.

این موضوع مؤید حساسیت تأثیر نهاد خانواده بر اوقات فراغت جوان

است، به خصوص که اوقات فراغت در دوران جوانی اهمیت زیادی داشته و جوان مایل به برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه همسالان، است و اگر نهاد خانواده در این زمان به درستی عمل نکند با اعمال کنترل و محدودیت زیاد یا با بی توجهی، در هر دو صورت می تواند به تأثیرات نامطلوب و رفتارهای آسیبزا در اوقات فراغت جوان خود بیانجامد. اینجا است که حساسیت نظارت مدیرانه خانواده (والدین) نمایان می شود (فاضلی نیا ۱۳۸۰: ۵۱).

محیط خانوادگی وجود روابط عاطفی در خانواده و نظارت صحیح والدین بر اعمال و رفتار فرزندان بر پیشگیری از مشکلات فراغتی آنها تأثیر مهمی دارد. خانواده با اهتمام به اصول فرهنگی و پای بندی به ارزش های اخلاقی و دینی می تواند باعث رشد و شکوفایی شخصیت و ایجاد هویت شخصی مستحکم در فرزندان و مانع از بروز نابهنجاری های رفتاری شود (محمدی ۱۳۸۳: ۵۷).



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

۵) روش تحقیق

روش تحقیق پیمایشی بوده و داده‌ها توسط پرسش‌نامه گردآوری شده‌اند. جهت آشنایی با نظریه‌ها و تحقیقات انجام گرفته در خصوص موضوع تحقیق، در بخش ابتدایی تحقیق از مطالعات اسنادی استفاده شده است. در این مرحله با مطالعات مقدماتی و اکتشافی به تدوین چارچوب و مدل نظری پژوهش و شاخص‌سازی اقدام و بدین ترتیب مقدمات لازم برای ورود به مرحله‌ی بعدی پژوهش یعنی مرحله‌ی پیمایشی آماده شده است.

جامعه‌ی آماری مطالعه شده در این تحقیق، دختران جوان دانشجوی (۲۴ - ۱۸ ساله) ساکن تهران هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بوده‌اند. در این تحقیق نمونه‌ی مطالعه شده، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین دانشکده‌های این دانشگاه (چهار دانشکده‌ی پیراپزشکی، پرستاری - مامایی، علوم اجتماعی و علوم پایه) انتخاب شد. حجم جامعه‌ی آماری که شامل دختران دانشجوی این دانشکده‌ها در مقطع کارشناسی بوده ۲۶۱۲ نفر و حجم نمونه‌ی بررسی شده که از طریق فرمول کوکران محاسبه شده معادل ۱۸۰ دانشجوی بوده و با تعداد دانشجویان دختر در هر دانشکده تناسب دارد.

در این پژوهش سنجش روایی شاخص‌ها^۱ از طریق ضریب آلفای کرونباخ^۲ انجام گرفته است. به‌علاوه برای انحراف گذران اوقات فراغت، که متغیر وابسته‌ی تحقیق را تشکیل می‌دهد و در قالب یک مقیاس چند

1 - Reliability

2 - Cronbach's Coefficient Alpha

گویه‌ای سنجیده شده، از تحلیل عاملی^۱ استفاده شد. پرسش‌های تحقیق توسط جداول تقاطعی و رگرسیون چند متغیری و ارسی گردید.

۵- ۱) نحوه‌ی کمی کردن مفاهیم و تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای پیشینه‌ای سن و معدل نمرات ترم قبل به صورت ترتیبی و در قالب یک متغیر سه مقوله‌ای سنجیده شده است. رشته‌ی تحصیلی متغیری اسمی است و مقولات مشخصی دارد.

معنای فراغت در ذهن پاسخ‌گویان متغیری اسمی و کیفی است و مقولات متعددی دارد، اما میزان اوقات فراغت در قالب یک متغیر ترتیبی سه مقوله‌ای سنجیده شده است.

برای نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، که توسط مقیاسی ۱۳ گویه‌ای سنجیده شده و متغیر وابسته‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد، ابتدا تحلیل عاملی انجام شد. بر اساس تحلیل عاملی پرداختن به فعالیت‌های ورزشی، رفتن به سینما با اعضای خانواده، مطالعه‌ی داستان، رمان یا سایر منابع مورد علاقه، رفتن به کلاس‌های هنری، تماشای فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده با ویدئو بر یک عامل بار شد. و در مقوله‌ی فراغت‌های سالم (غیرآسیب‌زا) جای گرفت و رفتن به کافی شاپ با دوستان دختر یا پسر، رفتن به رستوران با دوستان دختر یا پسر، گشتن در مراکز خرید نظیر پاساژها، تماشای برنامه‌های ماهواره، گفت‌وگوی اینترنتی و تفریحات خارج از منزل با دوستان پسر بر

1 - Factor Analysis

روی عامل دیگری بار شد و در مقوله‌ی فراغت‌های آسیب‌زا جای گرفت. نمرات حاصل از این مقیاس به چهار مقوله‌ی سالم، به نسبت سالم، به نسبت آسیب‌زا و آسیب تقسیم شده است.

میزان اوقات فراغت و ارتباط عاطفی در خانواده در قالب یک متغیر ترتیبی سه مقوله‌ای و میزان کنترل والدین بر رفت و آمد و روابط فرزندان در قالب یک مقیاس سنجیده شده است. میزان هم‌فکری خانواده در رفع مشکلات فرزندان و میزان اطلاع اعضای خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت توسط مقیاس سنجیده شده و سپس نمرات این مقیاس‌ها رکورد شده و در چهار مقوله‌ی کم تا زیاد به صورت متغیری ترتیبی درآمده است.

مصرف رسانه‌ای یکی از شاخص‌های مصرف کالای فرهنگی است که توسط نوع و میزان استفاده از ماهواره و اینترنت سنجیده شده است.

در سؤال نوع و میزان استفاده از ماهواره گویه‌ی اول تماشای شوهای ایرانی و خارجی و کانال‌های مد است. در این مقیاس گویه‌ی سوم که تماشای کانال‌های خبری است رکورد شد. گویه‌های یک و دو آسیب‌زا و گویه‌ی سه غیر آسیب‌زا نامیده شده است. نمره‌ی کم در این متغیر نمایانگر استفاده‌ی غیر آسیب‌زا و نمره‌ی زیاد نشان دهنده‌ی استفاده‌ی آسیب‌زا از ماهواره است.

در سؤال مربوط به نوع و میزان استفاده از اینترنت به سبب پایین بودن همبستگی آلفای گویه‌ها، تنها گویه‌ی سوم (گفت‌وگوی اینترنتی) منظور شد و دو گویه‌ی دیگر (دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار) از تحلیل خارج شد. میزان استفاده از اینترنت در شبانه‌روز به صورت

ترتیبی و در سه مقوله سنجیده شده است.

سبک خرید و مصرف پوشاک که معرف چگونگی مصرف کالاهای مادی است توسط یک مقیاس سنجیده شده و سپس در قالب چهار مقوله‌ی کاربردگرا، به نسبت کاربردگرا، به نسبت مدرن و مدرن رکورد شده است. متغیر نگرش به معاشرت با جنس مخالف و میزان گرایش به خودآرایی معرف ارزش‌ها و نگرش‌ها بوده و توسط مقیاس سنجیده شده است.

میزان دینداری از جمع نمرات استاندارد شده سه پرسش که بعد پیامدی و بعد مناسکی دین (در اینجا حجاب و نماز و روزه) را می‌سنجد ایجاد شده و در چهار مقوله جای گرفته است.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده از جمع نمرات استاندارد شده متغیرهای تحصیلات و منزلت شغلی والدین، منطقه‌ی محل سکونت، نوع مالکیت منزل مسکونی، دارا بودن اتاق شخصی و میزان هزینه‌ی ماهیانه‌ی خانواده به دست آمده است و درآمد شخصی مصرفی در ماه را در پنج مقوله ترتیبی سنجیده‌ایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: متغیرها و شاخص‌های عمده‌ی استفاده شده در این پژوهش و سطح سنجش آنها

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	سطح سنجش
ویژگی‌های خانوادگی	اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت	فاصله‌ای
	روابط عاطفی در خانواده	فاصله‌ای
	میزان همفکری در درون خانواده	فاصله‌ای
	میزان همراهی اعضای خانواده در اوقات فراغت	فاصله‌ای
	میزان کنترل و نظارت خانواده بر روابط فرد	فاصله‌ای
	پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده	ترتیبی
ویژگی‌های فردی	رشته‌ی تحصیلی	اسمی
	ارزش‌ها و نگرش‌ها	فاصله‌ای
	سبک خرید و مصرف کالاهای مادی	فاصله‌ای
	میزان درآمد مصرفی در ماه	ترتیبی
	پای‌بندی دینی	فاصله‌ای
	میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی (اینترنت)	فاصله‌ای
متغیر وابسته	میزان و نوع مصرف کالاهای فرهنگی (ماهواره)	فاصله‌ای
	میزان اوقات فراغت	ترتیبی
	رفتن به مهمانی‌های دوستانه، پرداختن به فعالیت‌های ورزشی، رفتن به سینما با اعضای خانواده، مطالعه، رفتن به کلاس‌های هنری یا رفتن به کافی شاپ و رفتن به رستوران با دوستان دختر یا پسر، رفتن به مراکز خرید نظیر پاساژها، تماشای برنامه‌های مورد علاقه در ماهواره، تماشای فیلم با ویدئو، گفت‌وگوی اینترنتی Chat و تفریحات خارج از منزل با دوستان پسر (مقیاس)	فاصله‌ای

بعد از آماده سازی متغیرها که شرح آن در بالا رفت، ابتدا تحلیل های توصیفی و سپس تحلیل های تبیینی و استنباطی اول بر اساس جداول دو بعدی و سپس بر اساس رگرسیون چند متغیری انجام شده است.

۶) یافته های تحقیق

۶-۱) ویژگی های فردی

به لحاظ رشته ی تحصیلی در افراد مطالعه شده نسبت دانشجویان علوم پایه و علوم اجتماعی بیشتر از دانشجویان پرستاری و پیراپزشکی بوده و معادل دو به یک است.

به لحاظ ارزش ها و نگرش ها ۶۰ درصد دانشجویان نسبت به دوستی و رفت و آمد دختر و پسر نگرش موافق داشته و بقیه با این نوع دوستی ها مخالف بودند. همچنین حدود دوسوم دانشجویان برای خودآرایی اهمیت زیادی قائل بوده اند. در مجموع اگرچه دانشجویان مطالعه شده به ارزش ها و نگرش های مدرن تمایل بیشتری نشان داده اند اما با ارزش های کاملاً مدرن و کاملاً سنتی نیز موافق نبوده اند.

در مورد سبک خرید و مصرف هم چنین وضعیتی وجود دارد. سبک خرید و معیارهای خرید پوشاک در نیمی از پاسخ گویان به نسبت نوگرا بوده و بقیه به سبک خرید کارکردگرا تمایل بیشتری داشته و در خرید و مصرف خود بیشتر به دوام، قیمت، و راحتی کالا توجه دارند.

همچنین بیش از نیمی از دانشجویان در طول ماه کمتر از ۵۰ هزار تومان برای

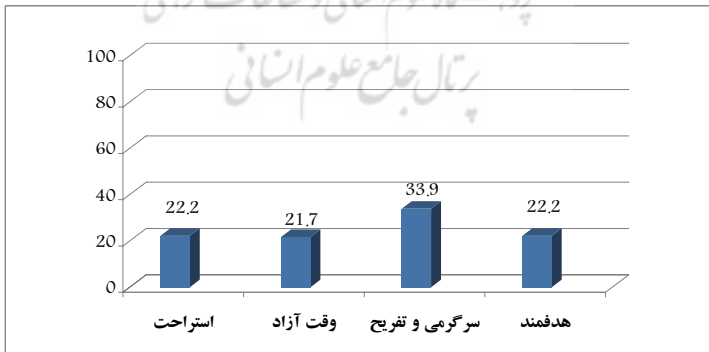
رفع نیازهای شخصی خود هزینه می‌کنند، یک سوم آنها در طول ماه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و بقیه بیش از ۱۰۰ هزار تومان در ماه برای امور شخصی هزینه می‌کنند. به لحاظ پای‌بندی دینی بیش از دوسوم دانشجویان پای‌بندی دینی زیادی دارند و در ۲۸ درصد آنان بسیار زیاد و بقیه پای‌بندی دینی به نسبت کم و کم دارند. به لحاظ نوع مصرف رسانه‌ای، تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان هیچ یک از برنامه‌های ماهواره را تماشا نمی‌کنند. در بین سایر پاسخ‌گویان بیشترین میزان استفاده از ماهواره مربوط به تماشای فیلم‌های سینمایی (۳۱/۴ درصد پاسخ‌گویان) و کمترین میزان استفاده از ماهواره به تماشای کانال‌های مد است. پس از تماشای فیلم‌های سینمایی، بیشترین میزان استفاده از ماهواره تماشای کانال‌های شوی ایرانی (۳۰/۷ درصد پاسخ‌گویان) و بعد از آن تماشای کانال‌های خبری است. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان تاکنون از اینترنت برای گفت‌وگوی اینترنتی (chat) استفاده نکرده‌اند و دوسوم آنها بیشتر برای دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید از اینترنت استفاده می‌کنند و ۴۰ درصد پاسخ‌گویان از اینترنت بیشتر برای مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار بهره می‌گیرند. بنابراین در بین سه نوع استفاده از اینترنت، بیشترین میزان استفاده مربوط به دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و کمترین استفاده برای گفت‌وگوی اینترنتی ذکر شده و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار در حد میانه قرار دارد.

۶-۲) ویژگی‌های خانوادگی

اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت دانشجویان بنا بر اظهار خودشان در نیمی از خانواده‌ها به نسبت زیاد و در ۶۲ درصد خانواده‌ها زیاد

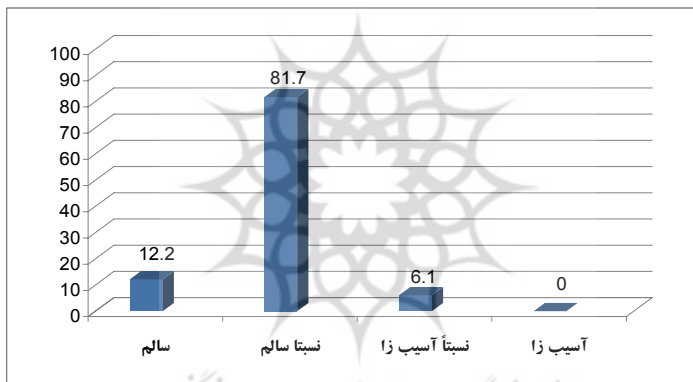
بوده و بقیه اطلاع به نسبت کم و کمی از چند و چون فراغت فرزندانشان دارند. همچنین بیش از نیمی از پاسخ گویان وجود ارتباطات خانوادگی به نسبت صمیمانه و یک سوم آنها وجود ارتباطات خانوادگی بسیار صمیمانه را در خانواده‌ی خود گزارش کرده‌اند. بر اساس یافته‌ها میزان کنترل و نظارت والدین بر فراغت فرزندانشان در یک سوم خانواده‌ها کم و به نسبت کم بوده اما در ۵۸ درصد خانواده‌ها به نسبت زیاد و در ۸ درصد آنها زیاد بوده است. از این گذشته غالب دانشجویان پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسطی داشتند به طوری که ۵۲ درصد پاسخ گویان از پایگاه متوسط، ۱۹ درصد آنها از پایگاه پایین و بقیه از پایگاه بالا برخاسته‌اند.

بیشتر از یک سوم دانشجویان فراغت را به معنای سرگرمی و تفریح می‌دانند. برای ۲۲ درصد آنها فراغت به معنای استراحت کردن است. ۲۲ درصد نیز فراغت را به معنای پرداختن به برنامه‌های هدفمند دانسته‌اند و برای بقیه فراغت به معنای داشتن وقت آزاد برای انجام دادن امور مورد علاقه است.



نمودار ۲: معنای فراغت

به لحاظ نحوه‌ی گذران فراغت اکثریت پاسخ‌گویان (۸۱ درصد) فراغت خود را با فعالیت‌های به نسبت سالم پر می‌کنند و ۱۲ درصد آنها اوقات فراغت خود را با فعالیت‌های سالم و فقط ۶ درصد آنها به شیوه‌ی به نسبت آسیب‌زا اوقات فراغت خود را می‌گذرانند. از این گذشته ۴۰ درصد دانشجویان مطالعه شده فراغت خود را طی شبانه روز ۲ تا ۴ ساعت، ۳۵ درصد کمتر از ۲ ساعت و ۱۵/۶ درصد بیشتر از ۴ ساعت ذکر کرده‌اند.



نمودار ۳: نحوه‌ی گذران اوقات فراغت

۳-۶) تحلیل روابط میان متغیرها و پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق

نتایج جداول تقاطعی نشان می‌دهد رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با خود پنداره معنادار نبوده و لذا تأیید نشده است. اما نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با گرایش به خودآرایی همبستگی معناداری داشته و نشان می‌دهد هرچه دختر جوان تمایل بیشتری به خودآرایی و جلب توجه در انظار عمومی داشته احتمال آسیب‌زایی اوقات فراغت در او بیشتر بوده است.

جدول ۲: رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و گرایش به خودآرایی

کل		بسیار زیاد	زیاد	کم	بسیار کم	گرایش به خودآرایی	
درصد	فراوانی					نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	
۱۱/۲	۲۰	۱۶/۱	۵/۹	۱۵/۸	۱۴/۳	سالم	
۸۱/۶	۱۴۶	۶۱/۳	۹۰/۶	۸۰/۷	۷۱/۴	به نسبت سالم	
۷/۳	۱۳	۲۲/۶	۳/۵	۳/۵	۱۴/۳	به نسبت آسیب‌زا	
-	۱۸۰	۳۱	۸۵	۵۷	۷	فراوانی	کل
۱۰۰	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

سطح معناداری	مقدار	آماره
۰/۰۰۰	۰/۲۶	پیرسون

بین سبک خرید و مصرف و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ی معکوسی دیده می‌شود، به این ترتیب که هرچه معیارهای مدگرایانه در خرید پوشاک بیشتر باشد نحوه‌ی گذران اوقات فراغت فرد آسیب‌زاتر است. نحوه‌ی گذران اوقات فراغت با میزان درآمد شخصی مصرفی در ماه و میزان رضایت از زندگی همبستگی بسیار ضعیفی داشته و تأیید نشده است. همچنین وجود رابطه بین میزان کنترل و نظارت خانواده و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رد شده است. وجود روابط عاطفی با اعضای خانواده نیز با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه‌ای نداشته است.

جدول ۳: رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و سبک خرید و مصرف

کل		نوگرا	کاربردگرا	سبک خرید و مصرف	
درصد	فراوانی			نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	
۱۱/۲	۲۰	۹/۵	۱۲/۹	سالم	
۸۱/۶	۱۴۶	۷۸/۹	۸۴/۷	به نسبت سالم	
۷/۳	۱۳	۱۱/۶	۲/۴	به نسبت آسیب‌زا	
-	۱۸۰	۹۵	۸۵	فراوانی	کل
۱۰۰	-	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

سطح معناداری	مقدار	آماره
۰/۰۰۱	-۰/۲۵	پیرسون

رابطه‌ی میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در جداول دو بعدی تأیید نشده اما در تحلیل‌های رگرسیونی که در آن تأثیر سایر متغیرها کنترل شده این متغیر نشان دهنده‌ی تأثیری معنادار است.

تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و میزان همراهی خانواده در اوقات فراغت بر نحوه‌ی گذران فراغت تأیید نشده است، اما رابطه‌ی نگرش به رابطه با جنس مخالف با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت ضریب همبستگی ۰/۲۲ داشته و از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر هرچه نگرش به رابطه با جنس مخالف مثبت‌تر می‌شود نحوه‌ی گذران اوقات فراغت به شکل آسیب‌زا تمایل پیدا می‌کند. ضریب همبستگی بین میزان حضور در مهمانی‌های مختلط با نحوه‌ی گذران فراغت قابل ملاحظه (۰/۳۱) و

معنادار و نشان دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر است. به این معنی که هرچه میزان حضور دختران در مهمانی‌های مختلط بیشتر باشد نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها آسیب‌زاتر خواهد بود.

جدول ۴: رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و نگرش به رابطه با جنس مخالف

کل		کاملاً موافقم	موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	نگرش به رابطه با جنس مخالف	
درصد	فراوانی					نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت	
۱۱/۲	۲۰	۹/۸	۱۰/۲	۱۳/۲	۱۲/۵	سالم	
۸۱/۶	۱۴۶	۷۸/۴	۷۹/۷	۸۴/۲	۸۷/۵	به نسبت سالم	
۷/۳	۱۳	۱۱/۸	۱۰/۲	۲/۶	۰	به نسبت آسیب‌زا	
-	۱۸۰	۵۱	۵۹	۳۸	۳۲	فراوانی	کل
۱۰۰	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۲۳	۰/۰۰۳

جدول ۵: رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و میزان شرکت در مهمانی‌های مختلط

کل		همیشه	بیشتر مواقع	گاهی اوقات	به ندرت	هیچ‌گاه	میزان حضور در مهمانی‌های مختلط	
درصد	فراوانی						نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	
۱۱/۱	۲۰	۷/۱	۴/۳	۷/۱	۱۰	۱۶	سالم	
۸۱/۷	۱۴۷	۷۱/۴	۶۹/۶	۹۰/۵	۸۰	۸۲/۷	به نسبت سالم	
۷/۲	۱۳	۲۱/۴	۲۶/۱	۲/۴	۱۰	۱/۲	به نسبت آسیب‌زا	
-	۱۸۰	۱۴	۲۳	۴۲	۲۰	۸۱	کل	فراوانی

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۳۱۶	۰/۰۰۰

همچنین نوع استفاده از ماهواره بر نحوه گذران فراغت تأثیر می‌گذارد. یعنی هرچه در استفاده از ماهواره فرد به کانال‌های شو و مد علاقه‌ی بیشتری نشان داده، نحوه گذران اوقات فراغت او آسیب‌زاتر بوده است. پای‌بندی دینی با نحوه گذران فراغت همبستگی معکوس و معنادار دارد. بدین معنی که با افزایش میزان پای‌بندی افراد به دین نحوه گذران اوقات فراغت آنها سالم‌تر می‌شود و با کاهش میزان دینداری نحوه گذران اوقات فراغت به آسیب‌زایی میل می‌کند.

جدول ۶: رابطه‌ی نحوه گذران اوقات فراغت و نوع استفاده از ماهواره

نوع استفاده از ماهواره / نحوه گذران اوقات فراغت	سالم	به نسبت سالم	به نسبت آسیب‌زا	کل	
				آسیب‌زا	فراوانی
سالم	۱۵/۸	۱۱/۹	۸/۷	۰	۲۰
به نسبت سالم	۷۸/۹	۸۴/۴	۷۶/۱	۸۳/۳	۱۴۶
به نسبت آسیب‌زا	۵/۳	۳/۷	۱۵/۲	۱۶/۷	۱۳
کل	فراوانی	۱۹	۴۶	۶	۱۸۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	-

آماره	مقدار	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۶۸	۰/۰۰۰

جدول ۷: رابطه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و میزان پای‌بندی به دین

میزان پای‌بندی به دین		کم	به نسبت کم	به نسبت زیاد	زیاد	کل	
نحوه‌ی گذران اوقات فراغت						فراوانی	درصد
سالم		۵/۹	۱۱/۴	۸/۸	۱۵/۷	۲۰	۱۱/۱
به نسبت سالم		۷۰/۶	۷۷/۳	۸۶/۸	۸۲/۴	۱۴۷	۸۱/۷
به نسبت آسیب‌زا		۲۳/۵	۱۱/۴	۴/۴	۲	۱۳	۷/۲
کل		۱۷	۴۴	۶۸	۵۱	۱۸۰	-
		درصد	۱۰۰	۱۰۰		۱۰۰	-

آماره	مقدار	سطح معناداری
کنندال C	-۰/۱۱۹	۰/۰۲۰
پیرسون	-۰/۲۴۴	۰/۰۰۳

پس از بررسی جداول دو بعدی، توسط رگرسیون چند متغیری، تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر نحوه‌ی گذران فراغت استخراج و با یکدیگر مقایسه شد. طبق جدول رگرسیونی نهایی از میان متغیرهای مؤثر بر متغیر وابسته تنها سه متغیر «میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت» با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۲۷۹-؛ «نگرش به رابطه با جنس مخالف» با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۲۸۴ و «گرایش به خودآرایی» با ضریب رگرسیون استاندارد ۰/۳۵ با نحوه‌ی گذران فراغت رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهند و تأثیر بقیه‌ی متغیرها بر متغیر وابسته ناچیز بوده یا معنادار و تعمیم‌پذیر به جامعه‌ی آماری نبوده است.

پس از بررسی نتایج و داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، اکنون می‌توان به پرسش‌های تحقیق پاسخ گفت:

الف - معنای فراغت در ذهن دختران مطالعه شده

بر اساس نتایج تحقیق، فراغت در ذهن دختران مطالعه شده چهار معنای مختلف داشته است. برای ۳۴ درصد یعنی یک سوم این دختران، فراغت به معنای سرگرمی و تفریح بوده، ۲۲ درصد یعنی حدود یک چهارم آنها فراغت را به معنای استراحت دانسته‌اند و ۲۲ درصد نیز فراغت را به معنای گذران وقت آزاد به شکل هدفمند و رضایت‌بخش یعنی با برنامه‌ریزی قبلی و برای نیل به یک هدف خاص ابراز کرده‌اند و در نهایت ۲۱ درصد پاسخ‌گویان نیز فراغت را معادل وقت آزاد یا بیکاری یعنی زمانی که فرد فارغ از هر نوع مسئولیتی است بر شمرده‌اند.

با توجه به پاسخ‌های فوق، اکثریت پاسخ‌گویان فراغت را به معنای تفریح و سرگرمی دانسته‌اند و در مجموع حدود ۷۷ درصد دختران مطالعه شده از فراغت معنایی انفعالی و توأم با بیکاری، استراحت و تفریح در ذهن دارند. نتایج فوق حاکی است که اکثریت پاسخ‌گویان (۷۷ درصد) به اوقات فراغت به عنوان زمانی برای فعالیت‌های هدفمند که در کنار سرگرمی و لذت می‌تواند باعث تعالی آنها در زمینه‌های مختلف هنری، ورزشی، علمی و ... شود نگاه نمی‌کنند و معمولاً برنامه‌ریزی قبلی برای گذران اوقات فراغت خود ندارند.

ب - میزان فراغت دختران دانشجوی

حدود ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان فراغت روزانه‌ی خود را ۲ تا ۴ ساعت و ۳۵ درصد از آنها کمتر از ۲ ساعت ذکر کرده‌اند. ۱۵ درصد از پاسخ‌گویان نیز اوقات فراغت روزانه‌شان بیش از ۴ ساعت ذکر شده است.

ج - الگوهای عمده در فعالیت های فراغتی دختران دانشجو

با تحلیل عاملی گویه های جدول فعالیت های فراغتی پاسخ گویان به دو گروه فعالیت های آسیبزا و غیر آسیبزا تقسیم شدند. در نتیجه الگوهای عمده ی فراغتی بررسی شده در تحقیق فوق عبارت اند از سالم، به نسبت سالم و به نسبت آسیبزا و کاملاً آسیبزا. نتایج تحقیق حاکی است که اگرچه در گذران اوقات فراغت دختران دانشجوی پاسخ گو، الگوهای فراغتی آسیبزا وجود دارد، اما هیچ کدام از پاسخ گویان الگوی فراغتی کاملاً آسیبزا ندارند و فقط ۶ درصد آنها الگوی فراغتی به نسبت آسیبزا دارند. در مقابل ۸۱ درصد پاسخ گویان الگوی فراغتی به نسبت سالم و ۱۲ درصد آنها الگوی فراغتی کاملاً سالم دارند.

د - عوامل فردی مؤثر بر اوقات فراغت

طبق نتایج حاصل از روابط متقاطع و جداول دو بعدی، بین متغیرهای سن، رشته ی تحصیلی، عملکرد تحصیلی، خود پنداره، درآمد شخصی مصرفی در ماه با نحوه ی گذران اوقات فراغت همبستگی مشاهده نشد یا میزان همبستگی بسیار کم بوده و چشمگیر نبود. در عوض میان گرایش به آرایش، سبک خرید و مصرف پوشاک، نگرش به رابطه ی جنس مخالف، میزان حضور در مهمانی های مختلط و استفاده ی آسیبزا از ماهواره همبستگی مثبت و میان میزان پای بندی به دین و نگرش منفی به رابطه با جنس مخالف همبستگی منفی و رابطه ی معکوس مشاهده شد.

هـ - عوامل خانوادگی مؤثر بر اوقات فراغت

با بررسی نتایج به دست آمده از جداول دو بعدی مبین روابط متقاطع بین متغیرهای عوامل خانوادگی با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت می‌توان اظهار کرد بین میزان کنترل و نظارت خانواده، میزان ارتباط عاطفی در خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده و میزان همراهی خانواده در گذران اوقات فراغت فرد با متغیر وابسته همبستگی معناداری وجود ندارد و رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای مربوط به عوامل خانوادگی با نحوه‌ی گذران اوقات فراغت تنها متغیر اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت فرد را شامل می‌شود.

و- عوامل مهم مؤثر بر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت دختران مطالعه شده در پاسخ‌گویی به این پرسش برای بررسی نهایی و به دست آوردن متغیرهایی که در روابط علی همبستگی خالص با متغیر وابسته دارند، از رگرسیون چندمتغیری استفاده شد تا روابط علی و تأثیر خالص متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته استخراج و میزان تأثیر عوامل پیش‌بینی شده در مدل نظری تحقیق با یکدیگر مقایسه شود.

جدول ۸: رگرسیون استاندارد چند متغیری مبین رابطه‌ی متغیرهای مستقل و نحوه‌ی گذران فراغت

سطح معناداری	ضریب رگرسیون استاندارد	
۰/۰۰۲	-۰/۲۷۹	میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت
۰/۰۰۲	۰/۲۸۴	نگرش به رابطه با جنس مخالف
۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	گرایش به خودآرایی
	۱۰/۱۰۴	F
	۰/۵۲۴	R
	۰/۲۷۵	R ²
	۰/۲۵۳	R ² تعدیل شده ^۱

چنان که در جدول بالا مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای مستقل خود پنداره یا برداشت از خود، ارزش‌ها و نگرش‌ها (در خصوص رابطه با جنس مخالف و در خصوص آرایش)، میزان رضایت از زندگی، میزان درآمد مصرفی در ماه، میزان پای‌بندی دینی، نوع استفاده از ماهواره (که در زمره‌ی ویژگی‌های فردی جای دارند)، میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت، میزان کنترل و نظارت خانواده، میزان روابط عاطفی در خانواده و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده (که در مقوله‌ی ویژگی‌های خانوادگی جای می‌گیرند)، سه متغیر میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت، نگرش به رابطه با جنس مخالف و نگرش به آرایش رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته (نحوه‌ی گذران اوقات فراغت) داشتند.

1 - Adjusted R Square

به عبارت دیگر می‌توان اظهار داشت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران مطالعه شده و میزان اطلاع خانواده‌ی آنها از نحوه‌ی گذران فراغتشان بیشترین تأثیر را در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها دارد. بدین معنی که هرچه نگرش آنان به رابطه با جنس مخالف مثبت‌تر و گرایش آنان به خودآرایی بیشتر و میزان اطلاع خانواده از نحوه‌ی گذران فراغت آنان کمتر باشد، گذران اوقات فراغت آسیب‌زا در آنها بیشتر می‌شود.

سایر متغیرها حتی متغیرهایی که در جداول دو بعدی همبستگی معناداری با متغیر وابسته نشان دادند در نتایج رگرسیون چندمتغیری که در آن تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر کنترل و روابط خالص میان متغیرها آشکار می‌شود، رابطه‌ی معناداری با نحوه‌ی گذران فراغت نشان نمی‌دهند. چنانچه ضریب تبیین R^2 نشان می‌دهد با این سه متغیر می‌توان حدود ۲۷ درصد از تغییرات نحوه‌ی گذران اوقات فراغت را تبیین کرد و ضریب همبستگی چندگانه R این متغیرها با متغیر وابسته معادل ۰/۵۲ است.

نتیجه‌گیری

به لحاظ ارزش‌ها و نگرش‌ها، در مجموع اگرچه دانشجویان مطالعه شده به ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن تمایل بیشتری نشان داده‌اند اما با ارزش‌های کاملاً مدرن و کاملاً سنتی نیز موافق نبوده‌اند.

در مورد سبک خرید و مصرف هم چنین وضعیتی وجود دارد. سبک خرید و معیارهای خرید پوشاک در نیمی از پاسخ‌گویان به نسبت نوگرا بوده

و بقیه به سبک خرید کارکردگرا تمایل بیشتری داشته و در خرید و مصرف خود بیشتر به دوام، قیمت، و راحتی کالا توجه دارند.

به لحاظ نوع مصرف رسانه‌ای، تقریباً نیمی از پاسخ‌گویان هیچ یک از برنامه‌های ماهواره را تماشا نمی‌کنند. در بین بقیه بیشترین میزان استفاده از ماهواره مربوط به تماشای فیلم‌های سینمایی و کانال‌های شوی ایرانی است. همچنین بیشتر دانشجویان بهره‌گیرنده از اینترنت برای دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید از اینترنت استفاده می‌کنند و مطالعه‌ی وبلاگ‌ها و اخبار در مرتبه‌ی بعد قرار دارد.

تحلیل یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، اکثریت دانشجویان مطالعه شده از فراغت معنایی انفعالی و توأم با بیکاری، استراحت و سرگرمی در ذهن دارند و به اوقات فراغت به عنوان زمانی برای فعالیت‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده که می‌تواند باعث بازتوانی و رشد آنها شود نگاه نمی‌کنند و معمولاً برنامه‌ریزی قبلی برای گذران اوقات فراغت خود ندارند. با این همه نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیش از نود درصد این دانشجویان الگوهای فراغتی به نسبت سالم و کاملاً سالم دارند و تنها ۶ درصد آنها الگوی فراغتی به نسبت آسیب‌زا دارند.

از میان عوامل فردی لحاظ شده، سبک زندگی و مصرف، ارزش‌ها و نگرش‌ها، میزان و نوع استفاده از رسانه و میزان پای‌بندی دینی با چگونگی اوقات فراغت ارتباطی معنادار دارند، اما از میان عوامل خانوادگی گوناگونی که در مطالعه وارد شد فقط تأثیر اطلاع خانواده بر نحوه‌ی گذران اوقات

فراغت تأیید شده است. با توجه به شدت و ضعف تأثیر متغیرها و بر اساس تحلیل‌های رگرسیونی می‌توان اظهار کرد که ارزش‌ها و نگرش‌های دختران مطالعه شده و میزان اطلاع خانواده‌ی آنها از نحوه‌ی گذران فراغتشان بیشترین تأثیر را در نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنها دارد.

این موضوع مؤید این مطلب است که در چگونگی گذران اوقات فراغت عوامل فردی بیشتر از عوامل خانوادگی تأثیر دارد و این امر چه بسا ناشی از غلبه‌ی فرایند فردگرایی در جوانان و نشان دهنده‌ی آن است که امروزه در ارزش‌ها و رفتار آنها از تأثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله گروه دوستان و رسانه‌های جمعی تأثیر بیشتری بر جای می‌گذارند. یافته‌های این مطالعه با پژوهش‌های اخیر درباره‌ی اوقات فراغت جوانان همخوانی دارد. پژوهش آزاد ارمکی (۱۳۸۵) درباره‌ی الگوی نسلی گذران اوقات فراغت در تهران یکی از تغییرات صورت گرفته در ساختار فراغت را افزایش گرایش به فعالیت‌های فردی و انفعالی و توأم با سرگرمی گزارش کرده است. همچنین یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد عمده‌ترین فعالیت‌های فراغتی ایرانیان شامل استفاده از رسانه‌های صوتی، تصویری، استراحت و فعالیت‌های شخصی بوده است.

از این گذشته، در پژوهش «مطالعه‌ی الگوهای فراغتی دانشجویان ساکن در خوابگاه» (رفعت‌جاه ۱۳۸۷) نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شیوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنها از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پای‌بندی دینی و میزان برنامه‌ریزی آنها برای فراغت

ارتباط دارد. این پژوهش با بخشی از یافته‌های پژوهش در سبک‌های فراغت دانشجویان (کاظمی ۱۳۸۷) نیز که غلبه‌ی سبک فراغت سرگرمی محور را در دانشجویان گزارش کرده همخوانی دارد. همچنین در این پژوهش، گرایش کمتر دختران دانشجو به رفتارهای پرخطر و آسیب‌زا در اوقات فراغت تأیید شده است.

از طرف دیگر، بر اساس چارچوب نظری انتظار می‌رفت که اوقات فراغت با سبک زندگی و مصرف ارتباط داشته باشد و نتایج مطالعه مؤید این ارتباط است. همچنین مطابق چارچوب یاد شده اوقات فراغت صرفاً با جایگاه طبقاتی تبیین نمی‌شود و عوامل فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌ها در تحلیل آن نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. این تأثیرگذاری هم مستقیم و بی‌واسطه است و هم غیرمستقیم از طریق ایجاد ترجیحات و سلیق خاص. زیرا ارزش‌ها و نگرش‌ها که عمدتاً در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود به صورت علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، بروز می‌یابد. نتایج پژوهشی نیز نشان می‌دهد که شیوه‌ی گذران اوقات فراغت دانشجویان با برداشت از فراغت، اولویت‌های ارزشی، اهداف فرهنگی و آرزوهای آنها در زمینه‌های گوناگون ارتباط دارد. این یافته‌ها جنبه‌ی دیگری از چارچوب نظری پژوهش را که بر اساس آن ارزش‌ها و نگرش‌ها و سلیق و علایق برآمده از آنها متعلق به نظامی است که جنبه‌های مختلف زندگی روزمره جلوه‌گر می‌شود را تأیید می‌کند.

پیشنهادات

با دگرگونی تدریجی ارزش‌ها و سبک زندگی، دختران جوان برای سلامتی، سرگرمی و فعالیت‌های فراغتی برون‌خانگی اهمیت بیشتری قائل می‌شوند و الگوهای اوقات فراغت آنان به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند (انصاری ۱۳۸۲؛ رفعت‌جاه ۱۳۸۷ و ۱۳۸۳؛ سعیدی ۱۳۸۷)، اما با محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد به نظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند از بیرون به مکان‌های سرپسته‌ای که آسیب‌های بیشتری در پی دارد کشانده شود و در این راستا سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب‌زای اوقات فراغت دختران جوان را بارور سازد. از این رو شایسته است که مسئولان دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی به ضرورت افزایش فضاها و امکانات فراغتی خاص و کم‌هزینه در خوابگاه و در دانشکده‌ها توجه و در این جهت برنامه‌ریزی کنند. همچنین ایجاد امکانات و تسهیلات و سالن‌های ورزشی بیشتر در دانشکده‌ها و در خوابگاه گام مؤثری خواهد بود در جهت سوق دادن دانشجویان به فراغت‌های فعالانه و توأم با تفریح که هم برنامه‌ریزی هفتگی برای آن امکان‌پذیر است و هم هزینه‌ی چندانی برای دانشجویان در بر ندارد.

از آنجا که بر اساس پژوهش‌های انجام شده‌ی اخیر (رفعت‌جاه ۱۳۸۷؛ شهیدی ۱۳۸۶)، ارزش‌ها و نگرش‌ها بیشترین تأثیر را بر جلوگیری از آسیب‌های

فراغتی نشان داده است، از این رو شایسته است ارزش های اخلاقی و مذهبی در جریان اجتماعی شدن با روشی استدلالی، غیر آمرانه و عاری از تعصب به نوجوانان منتقل و در آنها نهادینه شود. تکیه بر این اصول اخلاقی و اعتقادی سبب مصونیت نسبی دختران جوان در برابر آسیب های اجتماعی و به خصوص آسیب های فراغتی می شود.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه در هر حال امروزه فراغت دختران جوان از شکل درون خانگی به اشکال برون خانگی میل کرده باید در برنامه ریزی های شهری برای حضور شایسته ی زنان و دختران در عرصه ی اجتماع، فضاهای فراغتی مناسبی پیش بینی و احداث شود. این فضاها را می توان به فعالیت های ورزشی، هنری و تفریحی اختصاص داد و نظارت آمرانه بر فضاهای شهری را به خصوص در مورد نحوه ی حضور زنان و دختران جوان در این فضاها، تعدیل کرد تا بدین وسیله از کشانده شدن آنها به مراکز خرید و مصرف و فضاهای سر بسته و ناامن که احتمال گذران آسیب زای اوقات فراغت در آن بیشتر است ممانعت شود. رفع نگرش های غیر عادلانه جنسیتی و بهره مندی دختران از اوقات فراغتی فرح بخش و سازنده آثار فردی و اجتماعی مهمی در بردارد و این امر فراهم نمی شود مگر با کار فرهنگی وسیع در سطح خانواده ها و در سطح سایر نهادهای اجتماعی.

منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی و دیگران. «مقایسه اوقات فراغت خانواده طی سه نسل»، فرهنگ اندیشه، ش ۲۲ - ۲۳ (۱۳۸۴).
- ◀ استریناتی، دومینیک ۱۳۸۴. *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، ترجمه‌ی ثریا پاک‌نظر، تهران، گام نو.
- ◀ اشرف‌الکتابی، منوچهر، بررسی تغییرات نحوه گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر باقر ساروخانی (تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۷۹).
- ◀ انصاری مهابادی، فرشته، اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی، نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر ناصر فکوهی (تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۲).
- ◀ جنکینز، ریچارد ۱۳۸۵. *پی‌یر بوردیو*، ترجمه‌ی لیلا جوهرافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نی.
- ◀ دبیرخانه شورای عالی جوانان ۱۳۷۴. *چگونگی گذران اوقات فراغت جوانان*، تهران، اهل قلم.
- ◀ دو مازیه، ژوفر. «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسانه»، ترجمه‌ی م آدینه، فرهنگ و زندگی، ش ۱۲ (پاییز ۱۳۵۲).
- ◀ رفعت‌جاه، مریم ۱۳۸۷. *بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران*، تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ◀ ساروخانی، باقر ۱۳۷۵. *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ج ۲.
- ◀ سلگی، محمد، بهرام صادق‌پور و همکاران، بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، تهران، اهل قلم (۱۳۸۲).

- ◀ شفیع، سمیه سادات، میزان رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، (تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی ۱۳۸۳).
- ◀ شکوری، علی. «تمایز پذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، مطالعه‌ای در جوانان شهر تهران»، *رسانه*، ش ۲، (پاییز ۱۳۸۵).
- ◀ صیادی فر، سمیه. «برنامه‌های اوقات فراغت تولید فرهنگ می‌کند»، *اعتماد*، ش ۱۰۹۲، سال ۸ (فروردین ۱۳۸۵).
- ◀ فاضلی‌نیا، فرزانه، نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی دکتر طیبه زندی‌پور (تهران، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی ۱۳۸۰).
- ◀ «قدرت، جنسیت و فراغت»، سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی (اردیبهشت ۸۶).
- ◀ کاظمی، عباس ۱۳۸۷. *بررسی سبک‌های فراغتی در میان دانشجویان کشور و عوامل همبسته آن*، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، تهران.
- ◀ کوزر، لوئیس ۱۳۸۰. *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- ◀ کوهستانی، حسینعلی و علی اصغر خلیل زاده ۱۳۷۸. *پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن*، مشهد، تپهو.
- ◀ محمدی، زهرا ۱۳۸۳. *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۸۰ - ۱۳۷۰)*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- ◀ نوابی نژاد، شکوه ۱۳۷۹. *رفتارهای بهنجار و ناهنجار نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- ◀ هسی وود، لس و همکاران ۱۳۸۰. *اوقات فراغت*، ترجمه‌ی محمد احسانی، تهران، امید دانش.

- Aitchison, C & M leod, N.E 2000. *Leisure and Tourism Landscape*, Routledge.
- Bittman & Wajcman. "The Rush Hour", in *Journal of Sociology* (79) (2000).
- Furlong, A & Carmel. "Leisure and Life Style in Young People and Social Change", *Open University press*, USA (1997).
- Green, E. & Carrie Singleton, (2006) *Risky Bodies at Leisure in Sociology* (40).
- Green, E. & S. Hebron, & D. Woodward, 1990. *Women's Leisure, what leisure*, London, Macmillan.
- Hargreaves, j. 1989. *The promise and problems of women's leisure and sport*, in *Leisure for Leisure*, Venture publishing: State Collage.
- ——— 1986. *Sport, Power and Culture*, Cambridge, Polity Press.
- Rojek, C. 2006. *A Handbook of Leisure Studies*, Palgrave, Macmillan.
- ——— 2005. *Leisure Theory*, Basingstoke, Palgrave, Macmillan.
- Robinson, J. P. & G. Godbey 1997. *Time for Life: The Surprising Ways Americans Use Their Time*, University Park, PA, Pennsylvania State University Press.
- Rapoport, R. & R. N. Rapoport, 1975. *Leisure and the Family Life Cycle*, London, Routledge.